

تور غربیِ موسیقی مشرق زمین

گروه موسیقی «پالت» و دستاوردی تازه در موسیقی موسوم به تلفیقی

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : خرداد ماه ۱۳۹۱

اتفاق مهم و تازه ای در آن چه تحت عنوان «موسیقی تلفیقی» می شناسیم، دارد رخ می دهد. این که چه در تیتراژ فرعی یادداشت و چه در این جمله آغازین، عبارت «تلفیقی» را با احتیاط و به شکل تلویحی به کار بردم، به همین نکته برمی گردد که معتقدم اگر کنار هم قرار دادن دو سه ساز مشهور به غربی مانند پیانو و گیتار یا ارکستر سازهای زهی در کنار چند ساز ایرانی مانند تار و دف و کمانچه به تنهایی مفهوم «موسیقی تلفیقی» را می ساخت، از کارهای قدیمی و همچنان ماندگار کوروش یغمایی تا حتی محصولات خاندان شب پره و مکاشفات مشعشع شان همه «تلفیقی» به حساب می آمدند! اما اگر مفهوم ترکیب و کنار هم گذاشتن ملودی ها و نغمه ها و حتی فضا سازی حسی موسیقی در قالب های ژانری مشهور غرب و موسیقی خودمان را در نظر داشته باشیم، آن وقت فقط گروه ها و آثار مشخص و شاخصی را می توان در این دسته بندی تلفیقی جای داد که این گروه جوان «پالت»، دستاوردهای ویژه ای در این زمینه داشته و بالاخره به عرضه گذاشته است. در ترکیبی از سازهایی که ظاهراً و در نگاه اول کاملاً غربی اند (گستار، ویولنسل، کلارینت، کنترباس، سازهای کوبه ای و پرکاشن ها، گاهی فلوت و گاه آکاردئون)، در کنسرت پژوهشی این گروه (این هم از آن عناوین از بیخ بی معنای حاصل محدودیت های عجیب این روزهاست) ۱۳ قطعه اجرا شد که می شد مجموعه آنها را گونه ای تور موسیقی مناطق مختلف مشرق زمین خواند: از قطعاتی با زمینه آشکارا عربی که با لهجه و بومی خوانی عربی/خوزستانی مهدی ساکی بازیگر و خواننده البته به اتفاق اجرای آوازی خواننده اصلی گروه امید نعمتی همراه بود تا سه قطعه که به آذری خوانده شد تا چند قطعه با زمینه های فولکلور ایرانی تا رگه هایی از jazz غنی ارمنی و ارمنستانی تا حتی واریاسیونی ترکیبی که به بازخوانی سرود تیتراژ مجموعه عروسکی بسیار محبوب مرضیه برومند یعنی «خونه مادر بزرگه» منتهی می شد و نامش «هزار تا قصه» بود؛ و فقط اشکال کلی توصیف در قالب مکتوب و این که الان نمی توانم قطعات را به گوش شما برسانم، باعث می شود به نظرتان برسد با پراکندگی حال و هوا

مواجهیم. در حالی که در تجربه شنیداری، درست برعکس، کار گروه به طور مشخص، هویت واحد و یکپارچگی فضای موسیقایی دارد و به هیچ وجه، آشفته و چندگانه نیست .

از «پالت» به زودی و در امتداد دستاوردهای این نوع تلفیق های بدون ادا و اطوار این سال ها که البته معدودند، باز و بسیار خواهید شنید. اما در این نگاه امیدوارانه اولیه که فقط یک معرفی است (چون من بهتر است در زمینه موسیقی جز در ابعاد یک مخاطب علاقه مند، اظهارنظر فراتر نکنم) بگویم که اگر یک صفحه فرضی معرفی این گروه در یک آرشیو اینترنتی بخواهد نمونه های مشابه را برای راهنمایی مخاطبان نام ببرد، احیاناً دنگ شو و کیوسک و این دو را ذکر خواهد کرد و «پالت» هم به طور غیرمستقیم وامدار این تجربه های پیشین است؛ اما نوع و تفاوت کار «پالت» با این گروه ها، درست با همان شناخت و تلفیقی که از قالب های گفته شده دارد، قابل تشخیص خواهد بود. و در تلخیص این تفاوت، درست آن است که گرایش ژانری گروه را در نهایت نوعی jazz متمایل به لاتین بدانیم؛ که البته مثل یک پالت نقاشی، رنگ به رنگ است.